

سرشناسه	: ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ ق.
عنوان قراردادی	: جامع الاخبار. عربی. فارسی.
عنوان و نام پدیدآور	: جامع الاخبار / تألیف شیخ صدوق، ترجمه شرف الدین خودکی. تحقیق داود خادمی
مشخصات نشر	: قم: عصر ظهور، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۹۲۰ ص.
شابک	: (ج ۱) ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۷-۱۰-۸
	: (ج ۲) ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۷-۱۱-۵
	: (دوره) ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۷-۱۲-۲
موضوع	: فقه
زبان	: کتابخانه به صورت زیرنویس
موضوع	: احادیث شیعه - قرن ۴ ق.
موضوع	: تحقیق - خادمی داوود
رده‌بندی ده‌گانه	: ۱۳۹۶ ج ۸ الف / ۱۲۹ BP
رده‌بندی دی‌سی	: ۲۹۷/۲۱۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جامع الاخبار

تألیف: شیخ صدوق

با کوشش: داوود خادمی

ویرایش و بازنویسی: ربابه سرابی

ناظر فنی: نادر مصدق

چاپخانه: سلیمان زاده

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ دوره

قیمت دوره: ۵۹۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن ۳۲۶۱۶۸۶۰ (۰۲۵)

همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۹۰۷۸ - ۰۹۱۹۶۱۴۸۱۷۰

فهرست مطالب جلد اول

۹	 سخن ما
۱۵	 مسائل مهمه في هذا الكتاب
۱۶	 من هو مؤلف الكتاب؟
۱۸	 اقوال آخر
۱۸	 الخدشه والمناقشه في بعض الاقوال
۱۹	 اما قوله حسن بن محمد السبزواری
۲۰	 قد استشكل بعض في اسناده
۲۱	 النتيجة
۲۵	 مقدمه
۳۱	 فصل اول: چگونه خدا را بشناسیم؟
۴۱	 فصل دوم: توحید و یکتا پرستی
	 فصل سوم: عدالت خداوند
۱	 فصل چهارم: فضایل محمد ﷺ برترین پیامبر خدا
۵۹	 فصل پنجم: فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ
۷۷	 فصل ششم: اصل و نسب پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ
۸۳	 فصل هفتم: ائمه معصومین ﷺ چه فضیلت هایی دارند؟

فصل هشتم: فضیلت زیارت پیامبر اکرم ﷺ	۹۵
فصل نهم: زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ	۹۹
فصل دهم: پاداش زیارت امام حسن ﷺ	۱۰۷
فصل یازدهم: در فضیلت زیارت امام حسین ﷺ	۱۰۹
فصل دوازدهم: فی زیارة موسی بن جعفر ﷺ	۱۲۶
فصل سیزدهم: فضیلت زیارت امام کاظم ﷺ	۱۲۷
فصل چهاردهم: فضیلت زیارت علی ابن موسی الرضا ﷺ	۱۳۳
فصل پانزدهم: فضیلت زیارت امام جواد ﷺ	۱۴۵
فصل شانزدهم: فضیلت زیارت امام هادی ﷺ و امام عسکری ﷺ	۱۴۷
فصل هفدهم: فضائل یحییٰ بن علی بن ابی طالب ﷺ	۱۵۱
فصل هیجدهم: ایمان شناسی	۱۵۹
فصل نوزدهم: اسلام شناسی	۱۶۵
فصل بیستم: علم و دانش	۱۶۹
فصل بیست و یکم: قرآن و تلاوت آن	۱۷۵
فصل بیست و دوم: فضائل بسم الله الرحمن الرحيم	۱۸۵
فصل بیست و سوم: ستودن قاری قرآن	۲۰۵
فصل بیست و چهارم: فضیلت تسبیح، تحمید، تهلیل، تکبیر	۲۱۳
فصل بیست و پنجم: تسبیح	۲۲۳
فصل بیست و ششم: استغفار	۲۳۸
فصل بیست و هفتم: مسواک زدن	۲۴۵
فصل بیست و هشتم: فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ و خاندانش	۲۱۹
فصل بیست و نهم: آداب وضو	۲۶۷
فصل سی و یکم: زمان نمازهای پنج گانه	۲۷۵
فصل سی و یکم: پاداش اذان گفتن	۲۸۱
فصل سی و دوم: مساجد	۲۸۷

۲۹۹	فصل سی و سوم: پاداش نمازهای پنج‌گانه
۳۰۷	فصل سی و چهارم: کسی که نماز نخواند چه عقوبتی دارد؟
۳۱۳	فصل سی و پنجم: فضیلت نماز شب
۳۱۹	فصل سی و ششم: فضیلت نماز جماعت
۳۳۳	فصل سی و هفتم: زکات
۳۳۷	فصل سی و هشتم: فضیلت روزه
۳۴۹	فصل سی و نهم: فضیلت جهاد
۳۵۷	فصل سی و دهم: نیکی به پدر و مادر
۳۶۱	فصل چهل و یکم: ویژگی‌های مؤمن
۳۶۹	فصل چهل و دوم: حقوق مسلمین بر یکدیگر
۳۷۱	فصل چهل و سوم: یاری مؤمن
۳۷۵	فصل چهل و چهارم: شاد کردن مؤمن
۳۷۷	فصل چهل و پنجم: توبه و حقیقت آن
۳۸۳	فصل چهل و ششم: فضیلت سلام کردن
۳۸۹	فصل چهل و هفتم: فضیلت روز جمعه
۳۹۳	فصل چهل و هشتم: روزهای هفته
۳۹۵	فصل چهل و نهم: چگونه صبح کردی؟
۴۰۱	فصل پنجاهم: محاسن سفید
۴۰۷	فصل پنجاه و یکم: نگاه به نامحرم
۴۱۱	فصل پنجاه و دوم: بازداشتن زبان از سخنان بیهوده
۴۱۷	فصل پنجاه و سوم: تقیه
۴۲۷	فصل پنجاه و چهارم: بیم و خوف
۴۳۹	فصل پنجاه و پنجم: حسن ظن به خدا
۴۴۵	فصل پنجاه و ششم: بخش اخلاص

سخن ما

ایام تعطیلی سال ۱۳۹۰، از قم راهی زادگاهم شهرستان بهبهان شدم. آنجا جناب استاد حسین جعفری زاده را ملاقات کردم. ایشان در مورد کتاب ارزشمند جامع الاخبار و ترجمه آن سوالی کردند، عرض کردم: در این باره هیچ اطلاعی ندارم. ایشان گفتند: من متن عربی کتاب را در دستم دارم.

حقیر برای به دست آوردن اطلاعات در این زمینه به کتابخانه‌ها، اینترنت مراجعه کردم، و آن را با دوستان حوزوی نیز مطرح نمودم ولی هیچ نام و نشانی از آن پیدا نکردم، بر من معلوم شد این کتاب از کتاب‌های نایاب است لذا سخنان آقای جعفری زاده را جدی نگرفتم. مدتی گذشت، روزی در حال مطالعه کتاب عزاداری بهبهان نوشته آقای محمدی بودم در آن کتاب دیدم که آقای جعفری زاده طی مصاحبه‌ای سخنان فوق الذکر را تکرار نموده‌اند ولی باز هم برای من قابل دسترسی نبود. در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۲ دیداری در بهبهان با آقای جعفری زاده حاصل شد، ایشان ضمن تکرار فرمایشات گذشته به من وعده دادند که این کتاب را برایتان می‌آوریم تا ببینید.

کتاب خطی و نایاب جامع الاخبار به دست ما رسید و صحت ادعایشان بر ما ثابت شد، از ایشان خواستم تا اجازه دهند یک فتوکپی از آن تهیه کنم. چند روز بعد در

امامزاده حیدر علیه السلام با جمعی از دوستان گرد آمده بودیم، سخن از کتاب و فتوکی و ... به میان آمد.

«لهر آن روز در عالم رؤیا دیدم که آقای مشهدی محمدعلی معقولی که در نشست و ستانه حضور داشت به من می‌گوید: فلانی طرف حساب تو من هستم و آنگاه تمام ویژگی‌ها و خصوصیات کتاب را بیان کرد. از خواب که بیدار شدم برایم سؤال بود که قضایا به آقای معقولی چه ارتباطی پیدا می‌کند؟

زمانی که خواب را برای آقای مشهدی محمدعلی معقولی تعریف کردم ایشان فرمود: «والتبت ان استیک، وقتی شما راجع به این کتاب حرف می‌زدید در دل آرزو کردم ای کاش بتوانم در خواب این کتاب شریک شوم.

این مرد چه می‌گوید؟ آنچه در دل نیت کرده چگونه آشکار شد. سخن از شیخ صدوق زدن آسان نیست، شخصیتی که اقا نوس گسترده‌ای از علوم اهل بیت علیهم السلام است و تمام بزرگان و مراجع تقدید ریزه‌چین سفره با برکت علمی و معنوی او هستند و اکنون من طلبه ابجد خوان توبیخ چاپ مجدد این کتاب را پیدا کردم و خدا را بر این لطف و نعمت سپاس گزارم.

و در اینجا لازم می‌بینم از بزرگوارانی که ما را در راستای این کتاب یاری نمودند نام برده و تشکر نمایم. اساتید عالیقدر و محقق حجة الاسلام آقایان سید مهدی رجایی و استاد بزرگوارم شیخ ابوالمعالی حسین بهبهانی و حجت الاسلام سیدعلی رضا شاهرودی و سیدجواد شاهرودی و علی زعیم‌نیا و مرحوم جعفری‌زاده که کتاب در کتابخانه ایشان موجود بوده است و نیز بزرگواران بزرگوارشان آقای حسین جعفری‌زاده و همچنین تشکر از دبیر اهل قلم حاجیه خانم ربابه سربابی که ویرایش و بازنویسی این کتاب را عهده‌دار شدند.

در پایان یادی کرده باشم از اساتیدم که بزرگان بهبهان بودند، خصوصاً آیات عظام سیدمحمدعلی سعادت بهبهانی، شیخ محمدحسن مدرس بهبهانی و حجت الاسلام

شیخ زین العابدین روحی پور و نیز دوستم مرحوم یحیی معقولی و همگی را در ثواب چاپ این کتاب شریک نمودم.

در پایان از کلیه فضلاء و علماء و مراجع عظام می‌خواهم که اگر در متن کتاب به اشکالی برخورد نمودند تذکر دهند تا در چاپ بعدی اصلاح گردد.

واقعیت این است که از این کتاب نسخه‌های فراوان خطی وجود دارد که اختلاف فاحش با هم دارند از جمله:

- ۱- نسخه خطی در ۹۴۴ صفحه که نوشته شده بر آن معارج یقین و جامع اخبار به خط علی بن ولید بن عثمان.
- ۲- نسخه خطی در ۲۰۲ صفحه در ۱۹ شهر ربیع الاول ۱۱۰۱ هـ. ق نوشته شده.
- ۳- نسخه خطی به همراه کتاب ثواب الاعمال به خط ابراهیم دزفولی است.
- ۴- نسخه خطی در ۳۱۹ صفحه حواشی و روایات دیگر.
- ۵- نسخه خطی در ۱۴۵ صفحه در سال ۱۰۶۳ هـ. ق به خط محمد قاسم گرمرویی.
- ۶- نسخه خطی در سال ۱۱۱۷ هـ. ق ولی اوایل موجود نیست.
- ۷- نسخه خطی که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۶۲ در تاریخ ۱۰۸۲ نوشته شده.

- ۸- نسخه خطی که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۶۴ در تاریخ ۱۰۸۷ نوشته شده ولی صفحه اول آن موجود نیست.

اینها بعضی از نسخه‌های خطی موجود می‌باشد که با مراجعه به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی و آیت الله گلپایگانی می‌شود آنها را دید.

اما آنچه که چاپ شده تاکنون آن نیز اختلافات را به همراه خود آورده از جمله

- ۱- نسخه چاپ شده به همراه مصباح الشریعه به سال ۱۲۸۳ هـ. ق در ۲۱۸ صفحه و کاتب علی محمد بن علی محمد تبریزی.
- ۲- نسخه چاپ شده در تبریز در ۲۱۹ صفحه در سال ۱۳۰۰ هـ. ق به خط محمد باقر ساعدی خراسانی.
- ۳- نسخه چاپ شده

در سال ۱۳۱۴ در ۲۲۸ صفحه ۴- نسخه چاپ شده در بمبئی در سال ۱۳۳۸. ۵- نسخه چاپ شده در سال ۱۳۵۷ در نجف اشرف در ۲۷۲ صفحه ۶- نسخه چاپ شده در اصفهان در سال ۱۳۶۵ در ۲۱۶ صفحه با طبع حروفی.

و ۳ چاپ دیگر که ۱- با مقدمه و تصحیح استاد محقق سید حسن مصطفوی که در ۲۷ ربیع الاول ۱۳۸۲ چاپ شده.

۲- با تحقیق استاد محقق علاء جعفر در مؤسسه آل البيت (علیه السلام) چاپ شده در سال اول محرم ۱۴۴۰

۳- ترجمه جامع الاخبار معروف به کشف الاستار از عالم ربانی شرف الدین خویدکی به سال ۱۱۵۷ هـ. ق که انتشارات جعفری در مشهد آن را چاپ کرده است.

ما در تحقیقاتمان منوجه شدیم چنانچه استاد ما حضرت آیت الله العظمی سید محمد علوی گرگانی (دامت برکاته) بارها در کلاس درس می فرمودند: ما بر سر سفره آماده نشسته ایم، چون بزرگان ریاض و جبل از ما در این زمینه قلم فرسایی کرده اند، خصوصاً سه نسخه چاپ شده ۱- تحقیق مصطفوی و ۲- تحقیق علاء جعفر و ۳- با ترجمه شرف الدین خویدکی که نزد من موجود است و نیز ارج نهادن به زحمت آن بزرگان که بسیار در این کتاب زحمت کشیده اند، پس نموده قدم جای پای آن بزرگواران بگذارم مطالب آن را مانند آینه رو در روی خود تراد دادیم. و آنچه این بزرگان در متن و حاشیه آورده اند همه را با حفظ امانت آوریم، حتی تا آنجا که شماره گذاری احادیث را از آنها گرفتیم. اما اگر حدیثی از قلم مبارک آنها افتاده بود یا اختلافی بود ما به آن اضافه کردیم، ولی چون در همه آنان اختلاف است، اگر این نبوده یا اختلافی بوده، در حاشیه به آن اشاره شده، هرگاه رمز (م) آمده یعنی نسخه با مقدمه استاد محقق سید حسن مصطفوی و هرگاه رمز (ال) آمده یعنی نسخه علاء جعفر و رمز (ع) که آمد یعنی نسخه خطی مطابق آنچه موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی است و رمز (ن) که آمد یعنی مطابق نسخه خطی کتابخانه آیت الله

گلپایگانی است و رمز (ث) که آمده یعنی مطابق نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی است و رمز (م) که آمد مطابق نسخه سید مصطفوی است.

و اصل کتاب را ما بر اساس نسخه سید حسن مصطفوی قرار داده‌ایم و اختلاف نسخه در حاشیه به آن اشاره شده است. تا خواننده متوجه اختلاف نسخه‌ها بشود. در مورد احادیث عربی آوردیم، و اگر شرف‌الدین خویدکی ترجمه نموده بود، آن حدیث را همان ترجمه آوریم اگر ترجمه نشده شده بود با استفاده از اساتید حوزه علمیه قم ترجمه آن را به شما عرضه داشتیم، باشد تا مورد نظر صاحب احادیث واقع شود.

مرحوم حجه الاسلام والمسلمین محمدجعفر جعفری زاده فرزند فقیه فاضل شیخ عبدالرضا جعفری زاده در ۱۲۹۰/۱ در بهبهان متولد شد، و در خانواده اهل علم و تقوارشد و نمو کرد.

دروس قرآنی و مقدمات را نزد آیت الله محمدهاشم روحی پور فراگرفت، و بعد از جمله شاگردان آیت الله شیخ اسماعیل مطلق گردید. سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه علمیه شاه فضل رحمته الله علیه رفت و در دروس سطح آیت الله اثنی عشری و آیت الله سید عبدالنبی شریعت مصطفوی شرکت نمود، و نیز در درس آیت الله شیخ عبدالهادی مجتهدی و سید رضا مرتضوی در مدرسه علمیه امامزاده ابراهیم شرکت نمود.

اداره کتابخانه نفیس پدر و پدر بزرگ خویش علامه آخوند ملا آقابهبهانی را در دست گرفت و بسیاری از کتب خطی و نایاب الآن در آن موجود است. در حمله نه خه خطی جامع الاخبار، ایشان به دستور بزرگان دین در آن سالهای خوف و خطر مأمور تبلیغ در شهرهای آبادان و امیدیه و ماهشهر و دیلم گردید، و بدین وسیله به تبیین مکتب اهل البیت علیهم السلام پرداخت. و به آموزش قرائت قرآن پرداخت در حالیکه تمام قرائت‌های ۱۴ گانه را می‌دانست و قاری ممتاز و حافظ آنها بود.

بالاخره ایشان در ۱۳۷۰/۹/۶ چشم از جهان فرو بست و جان به جان آفرین تسلیم کرد یادش گرامی باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسائل مهمة في هذا الكتاب

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، خاتم النبيين محمد صلى الله عليه وآله الطيبين الطاهرين المعصومين، واللعن الدائم على مخالفيهم إلى يوم الدين.

و بعد: فإن كتاب جامع الأخبار من أحسن كتب المدونة الجامعة للروايات الواردة عن النبي المختار ﷺ والأئمة الطاهرين في أبواب السنن والآداب والأخلاق والزهد والموعظة والاعتبار.

ولما تناولت أيدي الجهلة والمتسامحين من النساخ في نسخ نسخته وتقاصرت همّة العلماء في ضبط متنه وسنده، وغفل المحققون في تحتين حال مؤلفه وإسانيده، فوقع فيه ما وقع من الاختلاف في فصوله وترتيبه وحسن فيه أغلاط كثيرة وأقوال مختلفة، إلى أن بلغ في الضعف والسقوط إلى الغاية، وبعد عن مقام الاعتبار والقوة والصحة وقيل فيه ما قيل من غير تحقق ودقة.

وبعد تحقيق جثتك في حواشي أشارت إلى مصادر الروايات ومآخذها في الموارد اللازمة، وقد بينت جملاته المبهمة وأوضحت روايات المغلقة حتى الآن صار جثنا نسخته صحيحة متقنة وكتاب محكم معتمد وما توفيقى إلا بالله المتعال.

من هو مؤلف الكتاب ؟

اختلف العلماء والمحققين ١. فقد اشتهر أن مؤلف الكتاب ابي جعفر محمد بن علي الحسين المعروف بـ الشيخ الصدوق.

قال صاحب الذريعة، ج ٥، ص ٣٢؛ المشهور انتسابه الى شيخ صدوق... ويؤيد هذا القول المحقق شرف الدين الخويديكي ترجمه بالفارسيه و السيد حسن الكركي.

قال العلامة المجلسي في بحار الانوار ج ١، ص ٤٨؛ الفصل الثالث في بيان الرموز التي معناها الحجب المذكورة ونوردها في صدر كل خبر ليعلم انه مأخوذ من اى اصل، وهل هو في اصل واحد او متكرر في الاصول ولو كان في السند اختلاف نذكر الخبر من عند الكتابين ونشير الى الكتاب الآخر بعد. ونسوقه الى محل الوفاق، ولو كان في المتن غير للمعنى نبينه.

و مع اتحاد المضمون واختلاف اللفاظ ومناسبة الخبر لبابين نورد باحد اللفظين في احد البابين، وباللفظ الاخر في الباب الآخر.

١ ن: لعيون اخبار الرضا عليه السلام ٢ ع: لعل يسريع ٣ ن: لاكمال الدين ٤ يد: للتوحيد... ٥ جع: لجامع الاخبار...

٢. قيل انه للشيخ الطبرسي، الفضل بن الحسن صاحب تفسير اوائل الحسن بن فضل مؤلف مكارم الاخلاق وقد جزم بالاخير الشيخ الحر العاملي في كتاب الايقاظ من الهجعة^(١) (الثاني عشر من باب الاول) واثبات الهداة ج ١٠، الهائدة العاشرة وفي ج ٣ ص ٥٦٦ وروى الحسن بن الفضل الحسن الطبرسي في كتاب جامع الاخبار من طريق ابن بابويه باسناده ذكره.

(١) كتاب الايقاظ الهجعة في اثبات الرجعة، مؤلف حر العاملي، ص ٢٧، احمد جنتي، ١٣٨٤ ش.

٣. قيل لعلى بن سعيد الخياط كما قاله الشيخ منتجب الدين^(١) الطريحي في فهرسته: انّ له كتاب جامع الاخبار، العلامة المجلسي في بحار ج ١ ص ٢٤: ويحتمل كونه لعلى بن سعيد الخياط، لانه قال شيخ منتخب الدين في فهرسته: الفقّه الصالح ابوالحسن على بن ابي سعد بن ابي الفرج الخياط، عالم ورع، واعظ له كتاب جامع الأخبار.

الذريعي ج ١، ص ٢٣: جامع الاخبار لابن الحسن خياط حكى عنه في رياض الجنان عنوانه من بعنوان الجامع في الاخبار.

٤. قيل مؤلف بعض المتأخرين مثل محمّد الشعري، العلامة المجلسي في البحار ج ١ ص ١٠٠. ويظهر من بعض مواضع الكتاب أن اسم مؤلفه محمّد بن محمّد الشعري ومن بعضها انه بروى عن الشيخ جعفر محمّد الدوريسي بواسطة.

٥. وقيل: حسن بن محمّد السبزواري^(٢) (جوامع الكلم، رسالة العصمة، ج ١، ص ٤٧).

وقال بعض المشايخ: وقفت على نسخة حبيحة عتيقة جداً في دار السلطنة اصفهان وفيها تم الكتاب على يد مصنفه الحسن بن محمّد السبزواري. وقيل محمّد بن محمّد السبزواري وسميته بمعارج اليقين كما قال سيد علا آل جعفر.

٦. قيل من كتب غير معتمده الشيخ الحر العاملي في وسائل الشيعة ج ٢ ص ١٦٠: اما الكتب المعتمدة التي نقلنا منها بواسطة ولم تصل الينا، ولكن غير متعمدة لعدم بثقة مؤلفيها وثبوت ضعف بعضهم ولذلك لم نقل منها شيئاً.

(١) كتاب مرآت الكتب ج ٢ ص ١٧٢ - ١٧٤ تحقيق عن ثقة الاسلام الشهيد التبريزي.

(٢) المقدمة على الجامع الأخبار مؤلف سيد حسن مصطفى، ص ٣٤.

١. كتاب مصباح الشريعة ٢. كتاب غوالي اللثالي لابن أبي جمهور ٣. كتاب الفقه الرضوي ٤. كتاب جامع الاخبار، صاحب المستدرک ج ٣: انه من الكتب المجهولة.

اقوال آخر

الذريعة ج ١ ص ٢٧: جامع الاخبار لشيخ حسن بن علي بن سعيد (سعد) ابن فرج النبطي العام البزج الواعظ كما وصفه منتجب الدين ولد (٥٠٤) وتوفي بعد (٥٨٥) (هو يروي عن المؤلف بتواسطة ولده، فالمؤلف من أواخر المائة الخامسة واما مؤلف جامع الاخبار المشهور المطبوع المختلف في مؤلفه والمنسوب غلطاً الى الشيخ الصدوق فهو من اهل اواخر قرن السادس كما سيأتي فلا وجه لما احتمله بعض أن ابن خياط هذا مؤلف جامع الاخبار المشهور كما في خاتمة المستدرک ص ٣٦٦.

الذريعة ج ٥: المطبوع من (١٢٨٨) حتى اليوم امتداول المرتب على مائة واحد واربعين فصلاً المشهور انتسابه الى الشيخ الحسين، لكنه مما لا اصل له اصلاً وقد اختلف اقوال الاصحاب في تعيين مؤلفه. العلامة المجلسي في البحار ج ١، ص ٢٤: وكتاب جامع الاخبار واخطأ من نسبته الى الصدوق بل يروي عن الصدوق بخمس وسائط.

الخدشه والمناقشه في بعض^(١) الاقوال

اقول: مضافاً الى ان مؤلف مكارم الاخلاق اسمه الحسن بن فضل بن الحسن لا محمد بن محمد كما في فضل تقليد الاظفار: انه من علماء اواسط القرن

(١) المقدمة على الجامع الأخبار مؤلف سيد حسن مصطفوي، ص ٣٤.

السادس فان مكارم الاخلاق قد الف في زمان حياة والده العلامة مؤلف مجمع البيان المتوفى سنة ٥٤٨، وايضاً قال في مقدمة جامع الاخبار: فاني مذ كنت ابن عشرين حتى زرف سنى الى خمسين منشوق الى جمع كتاب.... فيعلم ان المؤلف قد الفه بعد الخمسين من سنه، وهو اول تأليف في المواعظ، فلا يلائم هذه الامور بأن المؤلف هو صاحب المكارم.

ما قوله يحصل من ابن سعيد الخياط... فيكون من علماء اواسط القرن الخامس فكيف ينطبق على مؤلف جامع الاخبار الذي قلنا انه من اهل القرن السابع.

اما قوله محمد بن محمد الشعيرى: ان المذكور في تقليص الاطفا في اغلب النسخ في آخر الكتاب وفي بعض النسخ: هو محمد بن محمد، مطلقاً او مقيداً بالسبزواري، وهو لا ينطبق عليه برأيه، الا ان تقول: انه كان كذلك في نسخة العلامة المجلسي، كما ان في نسخة ٢٣ في باب التقليص كذلك: وقال محمد بن محمد الشعيرى وقال في المستدرك ج ١ ص ١٠٠ نقلاً عن الرياض ثم ان ما يظهر من كلام الاستاذ في اول البحار انه من مؤلفات محمد بن محمد الشعيرى، ليس بصريح لأن اصل العبارة في الكتاب ليس الا محمد بن محمد وهو مشترك ولا يختص بالشعيرى.

اما قوله: جعفر بن محمد الدورى: فيه ان النقل عنه ليس سند متصل بل معلق اى محذوف من اول الاسناد، فلا يعلم ان المحذوف واحد ام اكثر فالظاهر ان يكون الواسطة الى الدورى ثلاثه او اربعة.

اما قوله حسن بن محمد السبزواري

اقول: يمكن ان يكون المرتب بالابواب لهذه الكتاب هو ابن المؤلف اسمه حسن، وفي نسخة ٢٣ يقول الكاتب في آخرها: قد كتبت هذا الكتاب المبين

المسمى لمعارج اليقين من مؤلفات قدوة المحققين ورئيس المحدثين محمد ابن محمد السبزواري، ويقول المؤلف في الديباجة وسميته بلمعارج اليقين في سؤل الدين.

قد استشكل بعض في اسناده

روى المؤلف عن الصدوق بثلاث وسائط كما في الخامس على ترتيب بعض نسخة قال الحاكم الرئيس الامام مجد الحكام ابو منصور على بن عبدالله الزياي ا دام الله سبحانه في داره من شهر رمضان ٥٠٨ قال حدثني الشيخ امام ابن عبدالله جعفر بن محمد الدهليسي املاء اورد القصة مجازاً في آواخر ذى الحجة ٤٧٤ هـ.ق قال حدثني محمد بن احمد رضى الله عنه قال حدثني شيخ ابوجعفر محمد بن على بن حسين رضى الله عنه ولكنه قال في بخر: انه يروى عن الصدوق بخمس وسائط وهو سهو من القلم.

و يروى ايضاً عن شيخ سديد الدين محمود الحمصي وهو متأخر عن الصدوق بكثيراً ويروى عن كتاب اخطب خوارزم كما في الفصل السادس والتسعين واخطب خوارزم هو موفق الدين بن احمد الخوارزمي الرازي عن الزمخشري المتوفى ٥٩٨ ويروى ايضاً عن كتاب روضة الواعظين لمحمد بن الحسن بن على الفتال وهو من مشايخ ابن شهر آشوب.

واستشكل أخرى: انه تحصل لنا من تحقيق في نسخه اختلافات حش لنا قال صاحب الروضات ص ٣٥٧: حيث يقول: وقد اختلف في حجتيه (جامع الأخبار) نظراً الى جهالة روايه و غرابه مطاويه واشتماله على اخبار المبالغة والارتفاع، وجود اسناد الى مؤلفه او عنه.

اما الجواب: (١) اقول: الاختلاف في حجتيه كان من جهة عدم اطلاعهم الى

مآخذ الكتاب والاصول التي نقلت منها رواية واحاديثه، واما بعد العلم بانها اخذت من الكتب المعتمدة المستندة والاصول المسلمة للشيعه للكتب الصدوق، ونظائرهما، فلا معنى لهذا القول واما قوله وغبابة مطاوية واشتماله على اخبار المبالغة والارتفاع: فياليته يبين واحداً من هذه الاخبار الغريبة المشتملة على المبالغة والارتفاع، ولعله نظر الى بعض الروايات التي ظاهرها المبالغة في الثواب والرسالة. وشرنا الى مآخذها في الحواشي واغلبها منقولة من ثواب الاعمال صدوق.

النتيجة

نعتقد بعد التحقيق عن هذا الكتاب والتتبع له عن مأخذ رواياته، انه من احسن كتب الرواية اعتباراً، وان مؤلفه راعى كمال الدقة والاحتياط في نقل الاحاديث بحيث انه قد ينقل الرواية بالسند الذي في ذلك الكتاب المنقول منه، وقد ينقل عن البيان الذي لذلك الحديث من ذلك المؤلف رعاية الامانة، مضافاً الى ان المؤلف كان له طريق الى الصدوق وشيخ وغيرها من مشايخ الاجازة وكان يروى كتبهم بالاجازة وبسنده، كما يظهر ذلك من فصل ٥ و ٦ من قوله في مقدمة الكتاب مضبوطة بالاسناد واكثر ما يأخذ عنه كتب الصدوق، من لا يحضره الفقيه، يروى عنه كثيراً في الفصول المختلفة وقد يروى عنه بحفظ عن السناد كما في فصل ١٣ و ٣٠.

وقد يروى عنه متعاقبة بالترتيب حتى مع ذكر عن البيان للصندوق كما في

فصل ۱۱۳.

(۱) مقدمه علی کتاب جامع الاخبار سید حسن مصطفوی ۲۷ ربیع الاول ۱۳۸۴.

الامالى: يروى عن هذا الكتاب ايضاً كثيراً وقد ينقل عنه بحفظ سنده بعينه كما في فصل ٤ و ٥ و ١٤ و ٣٣ وقد ينقل عنه روايات متصلة متعاقبة بالترتيب حتى مع ذكر البيان الذى فيها كما في فصل ١٤.

كمال الدين: قد ينقل عنه بحفظ سنده كما في فصل ٧ وغيره والتوحيد: ينقل عنه فى بعض الموارد كما في فصل ٢ و ٣ والنخصال: قد ينقل عنه كما في فصل ٧ وغيره معاني الأخبار: قد ينقل عنه كما في فصل ١٨ و ١٤ وغيرها. وعيون الاخبار: قد ينقل عنه كما في فصل ١٨ وغيره. ثواب الاعمال وعقاب الاعمال: كثيراً ما يروى عن هذا الكتاب فى لفصول المختلفة كما اشرنا اليها في حواشى الكتاب، وقد يروى بحفظ السند كما في فصل ٣٥ و ٧٤.

و قد يروى عنه بحفظ الترتيب روايات متعاقبة كما في فصل ٢٢، ٢٤، ٢٦، ٢٨، ٩٣، ١٢٦ و ١٢٩.

و قد يروى عنه حفظ الكلام الصدوق ايضاً كما في فصل ٢٩. وقد يروى عن هذا الكتاب حتى مع ذكر عنوان الباب كما في فصل ٢٩.

قال السيد مير داماد: (في الرواشح ص ٢٠٢ آخر راسحه ٣٧)

قلت: الحكم بالوضع على اكثر هذه المعدودات رور، نعم بعض هذه نقل بالمعنى وبعضها من احاديث العتره الطاهرة عليه السلام.

اصحاب العلم والحكمة والقدس والعصمة وكلامهم عليه السلام من كلام عليه السلام وحديثهم من حديثه، وعلمهم من علمه وحكمتهم من حكمته صلوات الله عليهم وتسليماته عليه وعليهم اجمعين.

و قيل منهم موضوع وما استدلل به على كون عرض الحديث على كتاب الله وقبول ما واقفه ورد ما خالفه موضوعاً مزيف مقدوح...

تممة اذا وجدت حديثاً باسناد ضعيف فلا يسوغ لك أن تقول: أنه ضعيف

المتن بالتصريح ، ولا ان تقول هذه الحديث ضعيف بقول مطلق ونعني بالاطلاق ضعف الاسناد والمتن جميعاً .

بل انما لك ان تصرح بانه ضعيف الاسناد او تطلق القول و تعني بالاطلاق ضعف الاسناد فقط ، اذ ربما يكون ذلك المتن قد روى بسند آخر يثبت بمثله حديث وانت لم تظفر به .

آية الله العظمى السيد المرعشي النجاشي في المباحث الفقهية : خارج فقه ٩٢/٧/١ : كتب آية الله العظمى الخوئي في مقدمة رجاله : انه سمع من استاذ العلامة النائيني انه قال : ان الخدش والمناقشة في المائيد الكافي شغل^(١) العاجز .

و بالجملة فنحن ما حققنا رواية في هذا الكتاب الا وجدناها موجودة في كتاب من الكتب المتعمدة المعتبرة لاسيما الكتب الاربعه وان لم نجد ايضاً بعضها منها في ماخذ واصل فلا حرج في وصل الينا من كتب المتقدمين قليل من كثير .

(١) مستدرک سفینه البحار ، ج ١ ، ص ١٧ نقل عن مقدم رجال ، ج ١ ، ص ٩٩ .

المقدمة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الاول بلا اول كان قبله والآخر بلا آخر يكون بعده، الذي قصرت عن رؤيته أبصار الباطرين، وسجرت عن نعته أوهام الواصفين، تحيرت العقول في كنه معرفته. ونضبت البحور في بحر هويته، الذي خلق الخلائق بقدرته، وجعلهم آية لربوبيته ونصير لهم الأدلة الواضحة، والحجج اللاتحة، وبعث اليهم أنبياء، وجعلهم سفراء بينه وبينهم، يرغبونهم في جزيل ثوابه، ويرهبونهم من شديد عقابه ﴿لَيْتَ لَا يَكُونُ لِنَاسٍ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾^(١).

والصلاة على خاتم أنبيائه، وسيد أصفياه، محمد النبي وآله الطاهرين، النجوم الزاهرة والحجج اللامعة، الذين جعلهم الله تعالى معصومين من الخطأ، مأمونين عليهم عن السهو في السراء والضراء، ليأمن بذلك من يفزع اليهم من التغيير في الدين، ويحصل لهم فيما سألهم العلم اليقين.

مقدمه

حمد و ستایش - حکیم را گاهی را سزاست و درگاه بلند مرتبه رزاق و توانایی را رواست که بر اساس حکم بی پایه و آیه ﴿رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا﴾^(۱) «اساس نه فلک بلند ایوان را بنیان نهاد».

چرخ گردونی که عظمت اش از افق پرواز خیال و قیاس بیرون و با فرمان کن فیکون الهی لباس وجود پوشید و روزی ریزه خواران در درگاهش هر و لطف بی مانندش مهیا ساخت و در مقام ﴿وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^(۲) تحت رسای انسان را با قدرت قاهر و نافذش به شرف ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^(۳) مفتخر و گوهر عقل فهم را در صدف پاک وجودش قرار داد، در عین حال به دلیل اتمام حجت، پیامبران و کتاب های الهی را نیز در هر عصری ارسال نمود تا اطاعت کنندگان را مژده ثواب و گناه کاران را وعده عقاب دهند ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^(۴).

دروود و سلام بر خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ و خاندان پاکش که ستارگان فرماندهان و حجت های درخشانند، آنان که خداوند از گناه معصومشان داشته و در حد سختی را راحتی از سهو و فراموشی ایمنشان گردانده است تا اینکه مراجعین به ایشان از تغییر در دین ایمن مانند و در هنگام دریافت پاسخ سوالاتشان به اطمینان و باور قلبی برسند.

۱. سوره الرعد، آیه ۲.

۲ و ۳. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۴. سوره نساء، آیه ۱۶۵.

أما بعد :

فاني مذ كنت ابن عشرين، حتى ذرف سني الى خمسين، متشوق الى جمع كتاب يشتمل فصولاً جامعة للزهد والموعظة، والترغيب والترهيب، من الاخبار منقولة عن الأئمة الاطهار، والآثار المأثورة عن الرواة الأخيار، محجوجة بالقرآن، متأيدة بالبرهان، مضبوطة بالإسناد، مربوطة بالارشاد، كاشفة للقلوب، زائلة للرواسب، وأنا مجتهد لإستجماع ذلك، تائق الى ترتيبه، ولكن تقطعني عن ذلك عواطف وتشغلي الشواغل، وتضعف نيتي وعلمي بأن همم أهل العصر تقلبت عن بلوغ أذناها، فضلاً عن الترقى الى اعلاها، فلذا لو أرغب فيه أحياناً، أعرض عنه أحياناً، حتى مضت على تردد عزمي أيام وقرنت بها أعوام، ثم اهتز خاطري، وتذكرت^(١) طويتي، على أنَّ للزواج منازل رفيعة، وفي التذكرة منافع كثيرة، لقوله عزوجل: ﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الْكُفْرَ تَنَفَّعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(٢)، وقال عزَّ شأنه: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^(٣).

و قال علي عليه السلام: « المرشد بنيت ما جرى بالخير، لا لما عمل به غيره أو ذكر أنه منه، بل بحسن طويته واخلاص دواعيه ».

فلما تيقنت حقيقة ذلك، وأردت أن اسعى فيه سعياً حقيقياً وأسلك فيه وان كان قليلاً، لم التفت الى قلة رغبات أهل الزمان، وترك عنايتهم في طلب الاديان، واستخرت الله سبحانه في جميع ذلك، فرتبت هذا الكتاب على أحسن ترتيب، وأتقن تهذيب، وسلكت فيه طريق الايجاز والاختصار، وتجنبته التنقيب والاكتثار و ابتدأت أولاً بذكر معرفة الله تعالى والتوحيد والعدل، وثانياً بذكر سيرة

(١) كذا في جميع ما توفر لدينا من النسخ، والصواب: مزيلة.

(٢) في م ون: تذكر، وأثبتنا ما في نسخة: ع.

(٣) الذاريات ٥١: ٥٥.

(٤) النجم ٥٣: ٣٩.

این جانب از سن بیست سالگی تا پنجاه و اندی همواره مشتاق و علاقه‌مند بودم تا کتابی درباره زهد، موعظه، ترغیب و تشویق بندگان به اطاعت خداوند و ترسانیدن انسان از گناه بنویسم، کتابی که روایاتش از راویان مورد قبول و مطالبش مورد تأیید قرآن، مستدل و محکم، مستند و مرتبط با ارشاد و هدایت مردم باشد و در نهایت دلگشا و مفرح باشد اما... حالات و گرفتاری‌ها مرا از این امر باز می‌داشت و عزمم را سست می‌نمود چرا که گمان می‌کردم همت مردم این عصر و زمان ضعیف‌تر و ناتوان‌تر از آن است که به پایین‌ترین مرحله این مهم، حقوق بخشیدن تا چه رسد به رتبه‌های عالی آن، لذا اگر زمانی مایل به انجام این کار می‌شدم، زمان دیگر را تمام آن روی گردان می‌شدم.

روزها و سال‌ها گرفتار این شک و تردید بودم تا این که دلم تکان خورد و وجدانم یادآور شد که برای نهی از منکر کنندگان در بیشگاه خداوند مقام‌ها و درجه‌های والایی است و در تذکر و موعظه منفعت بسیار نیافته است همچنان که خدای تعالی می‌فرماید: ﴿وَذِكْرُ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱) «پند دهنده به دین‌داران سود می‌رساند». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^(۲) «تنها انسان می‌ماند همان چیزی است که بواسطه سعی و تلاش بدست آورده است». آن‌گاه به این حقیقت را باور کردم تصمیم گرفتم نیکو تلاش کنم و در راستای رسیدن به هدف هر چند اندک گام بردارم لذا به کم رغبتی و بی‌توجهی مردم توجه نکردم و در این راه از خداوند استمداد می‌خواهم در این راه به بهترین شکل و با دقت آراستم و آن چه را که مایه گشایش دلها و هدایت‌کننده به سوی دین و سوق‌دهنده انسان به مسیر یقین و رهایی از هلاکت بود در آن آوردم البته در این نوشتار از انحصار را رعایت و از تفصیل و زیاده‌گویی پرهیز نمودم.

در آغاز از خداشناسی و توحید و عدل بحث کرده‌ام و سپس در مورد پیامبر ﷺ

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۵.

۲. سوره نجم، آیه ۳۹.

والامامة، وبعد ذلك أوردت أشياء كما يذكر في فهرسته، وستقف على ذلك إن شاء الله تعالى، وسميته بـ جامع الأخبار^(١) ثم تضرعت الى الله سبحانه وتعالى ليجعل ذلك خالصاً لرضاه، ويجعلني ممن يتقيه ويخشاه، إنه خير مأمول، وأكرم مسؤول، وهو حسبي ونعم الوكيل.

(١) وردت تسمية الكتاب في العديد من النسخ التي حصلت عليها بـ (جامع الأخبار او معارج اليقين في اصول الدين) بدلاً من جامع الأخبار، ارجع الى مقدمة التحقيق.

وائمه عليهم الصلاة والسلام مطالبی را مرتب نموده‌ام و سپس به موضوعات دیگری پرداختم که در فهرست آمده است و این کتاب را جامع الاخبار نام نهادم و به درگاه الهی تضرع می‌نمایم که این اثر را سبب رضا و خشنودی خود قرار دهد و مرا در شمار تقوای پیشگان به حساب آورد زیرا او بهترین امید امیدواران و کریم‌ترین کسی است که مردم از او حاجت می‌طلبند و خداوند مرا کافی ست و او بهترین وکیل است.